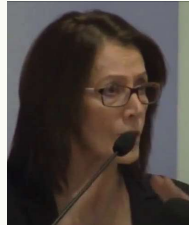


بازگشت روسیه

طلوع کدام خورشید!



ثریا شهابی

پس از سقوط شوروی، سی سال طول کشید تا روسیه بتواند، نه بعنوان «برادر کوچک»، «توسری خور» و «تحقیر شده» بورژوازی جهانی و «دست به دامن» صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای گرفتن زیربغلش، که رسماً بعنوان یک مدعی و «شریک قدرت» با پرچم عظمت روسیه، «همراه ناسیونالیسم افراطی و کشیشهای از قفس گریخته»، به کلوپ قدرت های جهان بازگردد.

جنگ روسیه در اوکراین و بن بست و فلج کامل نظامی و اقتصادی بورژوازی غرب در مهار و کنترل اوضاع، فاجعه نسل کشی اسرائیل در غزه با شراکت کامل آمریکا و بی افقی در مورد شرایط «بقا اسرائیل»، این فرزند «عزیزکرده»، تجهیز و تسلیح و «متمول» نگاه داشته شده غرب در خاورمیانه، شرایطی را فراهم کرد که بورژوازی روسیه بتواند خود و موقعیت جهانی خود را زیر نورافکن و در مقابل صحنه قرار دهد.

مصاحبه دوساعته اخیر تاکر کارلسن، از ژورنالیست های شناخته شده میدیای رسمی در آمریکا با پوتین، آنهم پس از دوسال سانسور و تحریم میدیایی او توسط دولت های غربی به خاطر حمله به اوکراین، مجوزی رسمی بود که بورژوازی غرب در بحران ها و بن بست های پی در پی عملاً ناچار شد صادر کند، تا جهانیان یکی از مدعیان قدرت در ساختار جهان چند قطبی را از زبان خود او بشنوند. هرچند که دولت های حاکم، نمایندگان بورژوازی غرب در قدرت از آن خشنود نباشند.

پوتین در این مصاحبه زبانی را بکار برد که پلتسین سی سال پیش و در گرماگرم فروپاشی شوروی، «زیر فشار کشمکش سیاسی حاد و آثار عمیق انقلاب کارگری اکتبر در خود آگاهی طبقه کارگر روسیه»، امکان بکار بردن آن را نداشت.

پوتین گفت «ما هم بورژوا هستیم و اقتصاد بازار آزاد را پیاده کرده ایم!» خودم مسیحی ارتدکس هستم و طرفدار پروپاقرص ارزشهای سنتی و اتحاد «ملت» های سابق شوروی حول کلیسای ارتدکس! پوتین حقیقت را گفت هنگامی که اظهار کرد که پلتسین سی سال پیش خدمت شما با شعار «خدا آمریکا را حفظ کند» رسید تا پس از سقوط شوروی، برای ناسیونالیسم و بورژوازی روسیه «بلیط ورودی به دنیای تمدن و دموکراسی» بگیرد! که صادر نکردید و صادر نشد!

امروز پوتین برای همان کار، در موقعیت دیگری و با حامیان قدرتمندتری چون چین آمده است. ... صفحه ۲

«انتخابات» بی رونق و آرایش

دو صف متخاصم

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

«انتخابات» مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، قرار است همزمان در ۱۱ اسفند ماه ۱۴۰۲ برگزار شود. جمهوری اسلامی، رسانه های آن، شخصیتها و جریانهای حکومتی، مدتی است حول این مضحکه، تبلیغات خود را شروع کرده اند. غرولندهای اصلاح طلبان و سردرگمی وسیع آنها، اعتراضات نیم بند اعتدالیون و حتی بخشی از اصول گرایان و بعلاوه هشدارها، ترس و اعلام نگرانیها در مورد «خطر پایین» و نیاز همه به عبور کم هزینه از این تند پیچ، صف بندی های بالا را تماماً به هم ریخته و به مضمون مباحثات بالایی ها تبدیل شده است.

«خطری» که مهر خود را بر رغبت حضور در انتخابات حتی در میان بالایی ها زده است. تفاوت «انتخابات» ایندوره با دوره های پیش نه فقط غربال کردن «وفاداران به قانون اساسی»، ولایت فقیه و حافظین نظام و معرفی خودی ترین ها برای «انتخاب»، که ترغیب آنان برای حضور در انتخابات، برای «حفظ نظام» و اثبات «مطلوبیت» انتخابات به آنان است. معضل امروز جمهوری اسلامی بی میلی به انتخابات و بی رونقی آن از درون است!

پایین به مسئله «انتخابات» تماماً بی اعتنا است. اکثریت عظیم جامعه، نه این مضحکه مشغله فکری شان است و نه عدم شرکت در آن برایشان جای سوال است. برای جمهوری اسلامی، با همه جناح های آن، این واقعیت و نامربوطی این مناسبت، علیرغم همه کلنجارهای درونی حاکمیت و کشمکشهای علنی شان حول آن، به فضای فکری و سیاسی جامعه، مسجل است. امروز برای جمهوری اسلامی، نه شرکت مردم در این مضحکه که چونگی عبور سالم از آن، بدون عمیق تر شدن شکاف در بالا، بدون تبدیل شدن «انتخابات» به فرجه ای برای خروج پایین مسئله اساسی است. ... صفحه ۲



امان کفا

زمزمه «زنده باد انقلاب»

با وجود گذشت ۴۵ سال از انقلاب ۵۷، و ۴۵ سال سرکوب همه جانبه، جنگ و وضعیت نابسامان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ایران همچنان ملتهد و جامعه تشنه دستیابی به همان خواسته های انسانی است که انقلاب ۵۷ را آفرید. خواسته هایی که نه تنها کاهش نیافتند، بلکه عمیق تر و وسیعتر شده و جدال بر سر دستیابی به این آرمانها هر روز گسترده تر و توده ای تر شده اند.

امروز نسلی که این انقلاب را تجربه نکرده بر شانه تجربیات آن، حکومتی که با به خون کشیدن انقلاب ۵۷ و آرمانهای آرایخواهانه آن به قدرت رسیده است را به مصاف نهایی طلبیده است. مصافی که شهریور ۱۴۰۱ فقط گوشه ای از قدرت و رادیکالیسم و چپگرایی جامعه را، نه فقط به حاکمیت که به کل بورژوازی، نشان داد و توازن قوای جامعه را به نفع مردم تغییر داد. بر متن این اوضاع سالگرد انقلاب نمی توانست مانند سال های قبل باشد.

از یکطرف جمهوری اسلامی، به روال و سنت همیشگی خود، مراسمهای حکومتی خود را به مناسبت «سالگرد انقلاب» برگزار کرد. سران و مقامات حکومت، از همه جناح ها، به دفاع جانانه از «احکام و اصول انقلاب» پرداختند تا بار دیگر انقلاب ۵۷ و آرمانهای آنرا «اسلامی» و جمهوری اسلامی را نماینده آن انقلاب و آرمانهای آن معرفی کنند. مراسمها، راهپیمایی ها و سخنرانی های «آتشینی» که حتی صفوف درونی حاکمیت را هم شارژ نکرد.

اما تلاش در رنگ «اسلامی» زدن به انقلاب ۵۷ هیچوقت مختص به بورژوازی حاکم نبوده است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

برای جمهوری اسلامی و تمام شاخه های آن حفظ نظام و از سر گذاردن «انتخابات» و عدم تبدیل آن به طغیان پایین، تامین امنیت صندوقهای رای و جمع نکردن بساط آن توسط مردم، معضل اصلی است.

اینکه مردم آزادیخواه در ایران از جمهوری اسلامی عبور کرده اند، دیگر حتی مورد سوال بالایی ها نیست. همگی شان به نفرت و دشمنی اکثریت عظیم مردم ایران با این حاکمیت اذعان دارند و تجربه جدال با پایین را به وسعت ایران، دارند. بالایی ها میدانند که فضای جامعه امروز تماما تحت تاثیر اعتصابات و تجمعات وسیع کارگری، معلمین و بازنشستگان، اعتراضات روزانه زنان، دانشجویان، زندانیان و خانواده های آنها، علیه فقر، گرانی، دستمزدهای پایین، علیه اعدام و زندان و زن ستیزی و برای رفاه و وسیعترین آزادی های سیاسی قرار گرفته است. همگی میدانند که طبقه کارگر و اقشار کم درآمد، زنان و نسل جوان کوچکترین توهمی به اینکه در چهارچوب این نظام ابتدایی ترین مطالبات هم تامین نمیشود، ندارند. حاکمیت میدانند که طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه، در دل جدال برای بهبود زندگی خود، در حال ایجاد آمادگی در صفوف خود برای نبرد نهایی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هستند. میدانند برای این صف هر پیروزی ولو کوچک، فتح هر سنگری و تحمیل هر عقب نشینی، سکویی برای جمع کردن نیروی بیشتر علیه جمهوری اسلامی است. در چنین شرایطی تلاش برای شرکت مردمی که از هر فرصتی برای پایین کشیدن حکومت میکوشند، سیاست جمهوری اسلامی نیست، برعکس عدم حضور مردم در آن و اعلام بیزاری خاموش و «بی دردی» مردم از این مضحکه آرزوی همه جناح های درونی هیئت حاکمه است.

سالها است نه گفتن به حکومت و اعلام رسمی اینکه نه تنها رای میدیم که شما را نمیخواهیم و جامعه را خود اداره میکنیم و برای پایان عمرتان در تلاش هستیم، در هر تجمع و اعتصاب و اعتراضی رسماً بیان میشود. مدتها است فضای قطبی میان

بالا و پایین نه بر سر شرکت و عدم شرکت در این انتخابات و آن مضحکه که بر سر ماندگاری یا رفتن جمهوری اسلامی است. در این میدان هر دو طرف علناً و رسماً در مقابل هم صف بسته اند و توهمی نسبت به هم باقی نمانده است.

جامعه ایران نزدیک به یک دهه است که از طرف طبقه کارگر و اکثریت مردم به یک کانون بحرانی و انقلابی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. جنگ میان این دو صف به وسعت در جریان است و همین مسئله نفس «انتخابات» را در رابطه این دو صف بی معنی کرده است. توازن قوای کنونی میان پایین و بالا و هر مناسبتی را از جمله «انتخابات» به خطر و کابوس خروش پایین علیه بالا برای سران جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. آنها از هر تجمعی میترسند و نگران به هم خوردن اوضاع و از دست دادن کنترل هستند.

روزهای انتخابات را میتوان به روزهای کابوس جمهوری اسلامی تبدیل کرد. نباید اجازه داد بساط انتخابات شان در محله و مدرسه و دانشگاه و شهرها به راه اندازند. نباید اجازه داد بساط توهین به شعور مردم، و اعلام رسمی و علنی بی حقوقی را به راحتی در محل کار، تحصیل و زندگی ما پهن کنند.

مستقل از نتیجه این مضحکه و چگونگی سرهم آوردن آن، عمر حاکمیت مدتها است به سر رسیده است. در اعماق جامعه، رهبران کارگری، فعالین جنبش حق زن، فعالین و انقلابیون در صف معلم، در دانشگاه و محله به وسعت ایران حول پرچم آزادیخواهی طبقه کارگر، برای آزادی و برابری، برای زندگی انسانی و مرفه خود را سازمان میدهند. این جنبش در مقابل پرچم حفظ جمهوری اسلامی، پرچم اداره جامعه با نیروی خود، پرچم آلترناتیو حکومتی خود، «کنگره سراسری شوراهای مردمی» را قرار میدهد و برای تامین این مهم، برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی خود را آماده میکند. مردم انتخاب خود را کرده اند و برای ساختن آن دست به کار شده اند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۵ فوریه ۲۰۲۴

غرب ناچار به قبول و تحمل کردن بورژوازی روسیه با اقتصاد بازار آزاد و روبنای نه «دمکراسی پارلمانی» که کلیسای ارتدکس است. به ویژه پس از تغییر بالانس قدرت نظامی در اوکراین به نفع روسیه و تغییر بالانس قدرت اقتصادی به نفع چین.

این مصاحبه نمایشی بود از گرفتن «بلیط ورودی» به همان کلوپ، کلوپ قدرت های نظامی و اقتصادی جهانی، به زور بن بست «اقتصاد بازار آزاد» و «دمکراسی» در خود کشورهای غربی و بحران های سیاسی که بدنبال داشته است.

این گفتگو نه در مورد اوکراین بود و سرنوشت میلیونها نفر در غزه زیر بمبارانهای افسار گسیخته اسرائیل و نه در مورد فلسطین و صاحب سرزمین کردن آنها! نه در مورد سیاست های تهاجمی میلیتاریسم آمریکا بود و نه سیاست «مدارا گرانه» چین و قدرت «بریکس»!

این مصاحبه در مورد آنچه است که پوتین خطاب به آمریکا میگوید می توان در مقابل «طلوع خورشید» جهان چند قطبی ممانعت ایجاد کرد، باید با آن همراه شد و مدارا کرد! طلوع «خورشید» ی که در آن چین و روسیه هم، نه فقط از نظر اقتصادی و نظامی، که فی الحال از قدرت تضعیف شده اقتصادی و نظامی آمریکا پیشی گرفته اند، که بعلاوه از نظر سیاسی، ایدئولوژیکی و رسمی، بر کرسی مدیریت جهان نشسته باشند!

شکست «دمکراسی پارلمانی» بعنوان ظرف ابراز وجود بورژوازی برای دخالت طبقات در سوخت و ساز سیاسی در غرب، توقعات سرکوب شده طبقه کارگر و شهروندان در غرب طی سی سال گذشته، تعرض به دستاوردهای آزادیخواهانه شان که تاریخاً محصول پیشروی جنبش های سوسیالیستی و کارگری بود، و در یک کلام عقب گرد در «غرب»، به پوتین در «شرق» این امکان را میدهد که الگوی ساختار سیاسی مبتنی بر محوریت «کلیسای ارتدکس» و «ارزشهای سنتی» را بعنوان چهارچوب سیاسی مقبول به بورژوازی جهانی تحمیل کند. تا در نظم نوین جهانی، چهارچوب های سیاسی حول مذاهب و سنت، حول مسیحیت و اسلام و یهودیت، جایگزین «دمکراسی پارلمانی» شود. چهارچوب هایی که در آن در کنار کلیسای ارتدکس در روسیه، ارتجاع اسلامی و یهودی و مسیحی، حرف اول و آخر در مورد زندگی بشر در قرن بیست و یکم را بزنند.

تحمیل این عقب گرد به بشریت قرن بیست و یکم، به طبقه کارگر جهانی که از زیر بار بربریتی که نظم نوین جهانی و جهان یک قطبی به ریاست آمریکا کمر راست میکنند، طبقه کارگری که در روسیه هنوز در ذهنیت و خود آگاهی خود از انقلاب کارگری ش متاثر است، به سادگی صورت نمی گیرد!

را آنگونه که میخواهست بسازد! بن بست و بحران کنونی در غرب، نه محصول پیشروی های اقتصادی و نظامی چین و روسیه، که محصول جنبش های اجتماعی است که در خاورمیانه سر بلند کرده و عقب نشینی هایی است که در خود جوامع غربی، طبقه کارگر و شهروندان به حکومت هایشان تحمیل کرده اند!

کشمکش و رقابت در صف بورژوازی جهانی در یک صحنه خالی صورت نمیگیرد. مقدم بر جدال این دوره بین بورژوازی «غرب» و «شرق»، خاورمیانه و خود غرب صحنه جدال جنبشهای اجتماعی ای بود که روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داده بود. بهار عربی، انقلاب مصر، عروج جنبش های مترقی، سکولار، چپ و آزادیخواهانه در خاورمیانه، تحركات کارگری و مردمی در غرب علیه ریاضت اقتصادی، خیزش های متعدد کارگری و زنان در ایران و خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، تاریخ زنده ای است که تحولات سیاسی در سطح جهانی بر متن آن شکل گرفته و میگیرد.

جدال «شرق» با «غرب»، «با همه اهمیتی که دارد، نیروی محرکه و موتور پیشبرنده تاریخ در این جوامع نیست، برعکس، خود در متن این تاریخ قرار میگیرد و معنی میشود.» «جدال بر سر تعیین نظم نوین جهانی بازیگران مهمتری دارد. طبقات اجتماعی و جنبشهای سیاسی آنها چه در غرب و چه در خاورمیانه، بر سر آینده سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان صفتبندی کرده اند.»

این جنبشهای چپ، رادیکال و سوسیالیستی هستند که مستقل از خواست سران و سیاستمداران غربی و شرقی، جهت نهایی این روندها را تعیین خواهند کرد و مهر خود را بر جدال قدرتهای جهانی میزنند.

پانویس:
ترم های در گیومه، از منصور حکمت است.

جهت نگاه گذرایی به گذشته، توصیه میشود مطالب حکمت در سال ۹۳، از جمله مطالب زیر را بخوانید.

ستون اول، انتخابات روسیه . مارس ۱۹۹۳
ستون اول: رفرا ندنم روسیه دسامبر ۱۹۹۳
از سایت آرشیو حکمت

<https://hekmat.public-archive.net/docIndexFaDT.html>

نه آمریکا تاریخ را میسازد نه چین و روسیه!
پس از فروپاشی جهان دو قطبی، و در طی سی سال گذشته با تمام بربریتی که بورژوازی غرب به رهبری آمریکا به جهان تحمیل کرد، «غرب» قادر نشد که تاریخ

کردن آنان بود. جمهوری اسلامی که از برگزاری هر برنامه «تحریک کننده ای» که باعث آتش زدن به خشم و اعتراض مردم شود پرهیز می کند، ناچار بود برای خالی نبودن عریضه و اعتماد به نفس دادن به نیروهای خود، این مراسم را برگزار کند. امسال، دستپاچی شدید، و تلاش مقامات حکومتی در پایان دادن سریع به مراسم، و فضای امنیتی در این روز، پرتاب بیش از گذشته بود. امسال جمهوری اسلامی از سالگرد انقلاب ۵۷ ضعیفتر و کم اعتماد به نفس تر از قبل بیرون آمد.

هدف نمایش موشک ها و پهبادها و رژه نیروهای نظامی و انتظامی در تمام مراسم های امسال، نه نشان دادن قدرت نظامی جمهوری اسلامی به «دشمن خارجی»، که اساسا برای به رخ کشیدن آن به «دشمن داخلی»، و رو به مردمی بود که به کمین نشسته و برای به زیر کشیدن حکومت و انقلاب آتی خود را آماده میکنند.

مسئله ای که برنامه های امسال را از سال های قبل متمایز می کرد، نه سخنانی های حکومتی ها و تلاش در «اسلامی» کردن انقلاب ۵۷، بلکه حضور گسترده نیروهای نظامی و نمایش «قدرت نظامی» حکومت به اکثریت میلیونی منتفر از جمهوری اسلامی در ایران بود. نمایش قدرتی که اتفاقا با اعتراض نیروهای راست و فاشیستهای آریایی شان روبرو نشد. ترس کل بورژوازی در ایران، چه در حکومت و چه در خارج آن، از مردمی است که دستگاه سرکوب و ارباب را شکست داده اند و به سادگی مرعوب نمیشوند. ۴۵ سال پیش هم طبقه کارگر و اکثریت جامعه رژیم سلطنت را، با تمام قدرت نظامی اش در منطقه که مایه افتخار شان بود، و بر خلاف «فرمان» خمینی و فریاد های «ما قیام را فرا نخوانده ایم» به پایین کشیدند.

امروز با گذشت ۴۵ سال نه طبقه کارگر در ایران و نه اکثریت مردم در این کشور، در موقعیت سال ۵۷ نیستند. امروز جامعه قطبی تر و به مراتب خودآگاه تر، سیاسی تر برای سرنگونی کل جمهوری اسلامی و نظام موجود خود را آماده می کند. امروز کمونیسم متحزب در ایران حضور دارد و به همین دلیل هم، هراس بورژوازی و اشتراک منافع جناح های آن، واقعی تر و شفاف تر در جامعه صف آریایی می کند. این جامعه انقلاب ۵۷ را، و برای دستیابی به همان خواست های آزادی و برابری و سرنگونی کل حکومت جمهوری اسلامی، سالگرد انقلاب را گرامی می دارد و ندای «زنده باد انقلاب» را در سالگرد انقلاب ۵۷ زمزمه می کند.

سخنگویان بورژوازی در اپوزیسیون نیز، به روال همیشه، برای پیشبرد همین هدف سر منبر رفتند و با همان حرارت و «آتشین» اعلام کردند که انقلاب ۵۷ تماما برای به قدرت رسیدن ارتجاع اسلامی بود، که «خوشی زیر دل مردم را زده بود» و گرنه انقلاب نمیکردند. با پیشروی همیشگی گفتند «مردم اگر عقل داشتند» به همان شرایط حاکم در دوره سلطنت پهلوی رضایت می دادند و هرگونه خواست تغییر و بهبود را از یاد می بردند! تلاش کردند به نام مردم، به نام «نماینده» صدای میلیونها مردم معترض به جمهوری اسلامی در ایران، همراه با شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی»، انقلاب ۵۷ را مترادف با جمهوری اسلامی جلوه دهند و علیه کمونیستها و آزادیخواهان شانناژ و فحاشی کنند.

در حالیکه شکست استراتژیک این جناح از بورژوازی برای دست بدست کردن قدرت از بالا و اتکا به غرب، شکست طرح های متعددشان توسط ما کمونیستها و مردم در ایران در همین خیزش اخیر «زن، زندگی، آزادی»، باعث بازبینی و سردرگمی نمابندگان «عقل» تر این جناح شده است، نیروهای افراطی آن همچنان به خط و نشان کشیدن علیه هر مخالف سیاسی و بخصوص کمونیستها ادامه دادند. افراطی های شان، فاشیست های آریایی، بار دیگر قمه داران خود را چه در میدیای اجتماعی و چه در آکسیون های «اعتراضی شان» گسیل کردند، انقلاب ۵۷ را «شورش شوم» نامیدند و همصدا با جمهوری اسلامی، علیه کمونیست ها و علیه همان مردمی که دیروز برای آزادی و برابری انقلاب کردند و امروز دوباره برای دستیابی به آنها میجنگند، عریضه کشیدند. وقاحت شعبان به مخ های این صف و تهدید های شان به قلع و قم هر گونه آزادیخواهی، خط و نشان کشیدن های لمپ مابانه و کثیف شان علیه کمونیستها و تهدید به «دار کشیدن» شان، تصویر آینده سیاهی این نیروها برای جامعه پسا جمهوری اسلامی، در سر دارند را آنچنان صریح و عریان در مقابل همگان قرا داد که حتی میدیای رسمی شان هم در خارج از ایران، از انعکاس این «آکسیون ها» و «سخنرانی» ها خود داری کرد.

برخلاف تبلیغات میدیای جمهوری اسلامی و نیروهای راست اپوزیسیون امسال جمهوری اسلامی نه تنها به استقبال این سالگرد نرفت، بلکه تمام مراسمهای برگزار شده نشانگر ترس و هراس حاکمیت از «تحریک» شدن مردم و برآشفته

با به میدان آمدن قدرت انقلابی زنان در شهریورماه ۱۴۰۱، چهارچوب ترک برداشته نظام اسلامی ضدزن در

ایران، بسرعت درهم شکست.

ایران و جهان، چشم انتظار لحظات پیشروی طغیان مردمی است که خیال فروکش ندارد! جنبش سراسری و مردمی، زن و مرد که کل نظام، از بیت رهبری تا دفتر رئیس جمهور و مجلس و بسیج و سپاه و گله انگلی آخوندها و آیت الله ها و ... را نشانه گرفته است، برای بدست گرفتن سرنوشت خود بدست خود، در سراسر ایران به پاخواسته است! متحدین جهانی این جنبش، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، شخصیت ها، احزاب و سازمان های مترقی و بشردوست در سراسر جهان است. جلب این حمایت و این تحول، نه به قدرت سازمان ملل و دولت ها و قدرت های حاکم، که مدت هاست اعتماد شهروندان تحت حاکمیت شان را از دست داده اند، که به قدرت رادیکالیسم عمیق این جنبش ممکن شده است.

تغییر نگاه جهانیان در مورد حق زن و حق انسان در ایران، تنها و تنها محصول انقلاب زنانه ای است که فراتر از خود، انقلاب را به امر روز و فوری جامعه تبدیل کرده است.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

به حزب حکمتیست
(خط رسمه) کمک ماله کنید!

کمک هایتان را از هر کاناله که خود مناسب
میدانید، بدست ما برسائید.

پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena